



تَمَنِّحُ

جائزة الشيخ محمد البترجمة والنفاهم الدولي

شهادة بترجمة

الى السيد: مسعود الدوي

بمناصبه فوزه بالمركز الثاني في فئة الترجمة من العربية الى الفارسية

لدرجة عام ٢٠٢٠ م

أمين عام الجائزة

د. محمد النعمان

→ جائزة الشيخ حمد للترجمة والتفاهم الدولي

جائزة الشيخ حمد للترجمة والتفاهم الدولي

دقيقه ٣٢



#جائزة_الشيخ_حمد_للتُرجمة_والتفاهم_الدولي، في دورتها
السادسة 2020

فئة الترجمة من العربية إلى الفارسية
المركز الثاني: صادق دارابي

عن ترجمة رواية دروز بلغراد لـ "ربيع جابر"
<https://youtu.be/QB2NqJ8tJLg>

جائزة الشيخ حمد للترجمة والتفاهم الدولي
الدورة السادسة (2020)



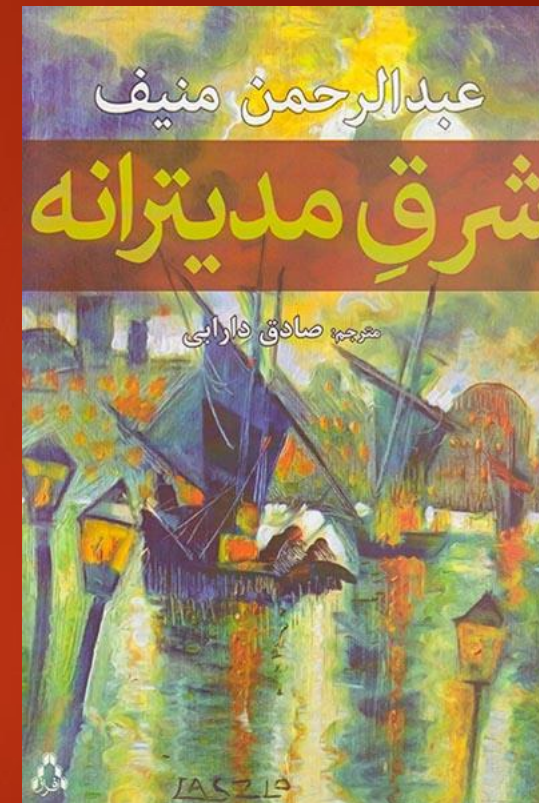
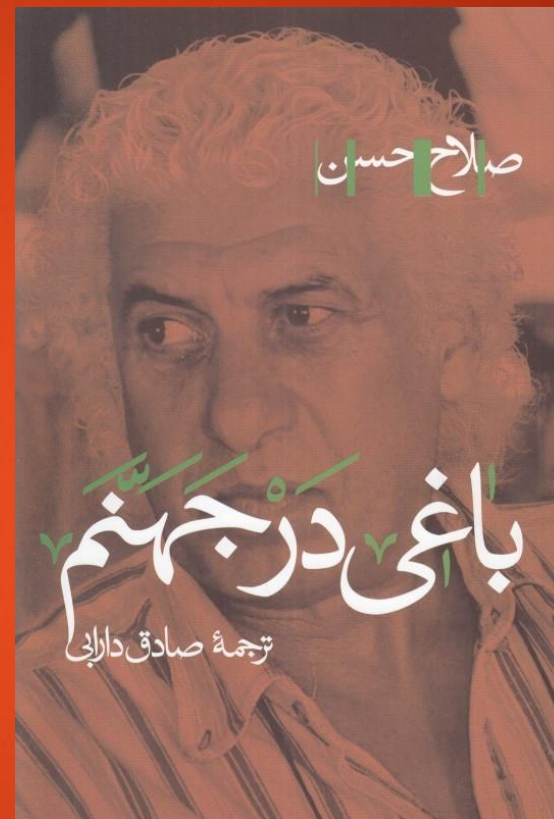
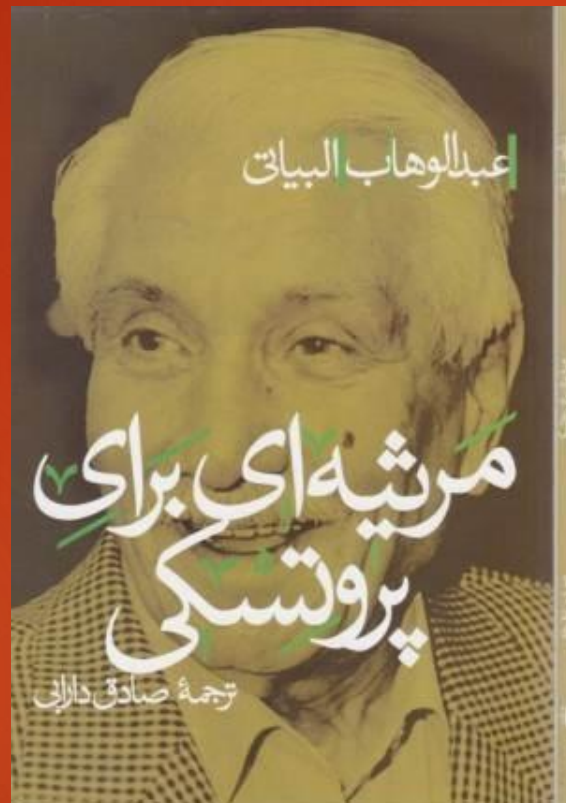
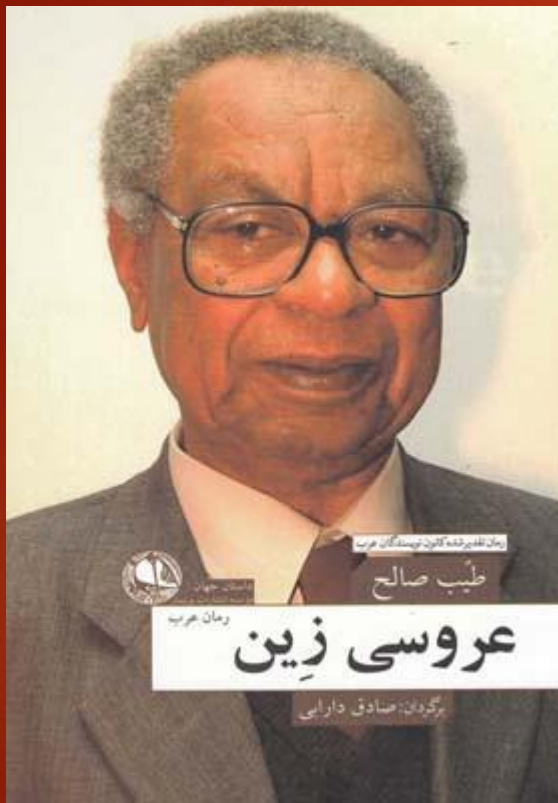
فئة الترجمة
من اللغة العربية إلى اللغة الفارسية
المركز الثاني

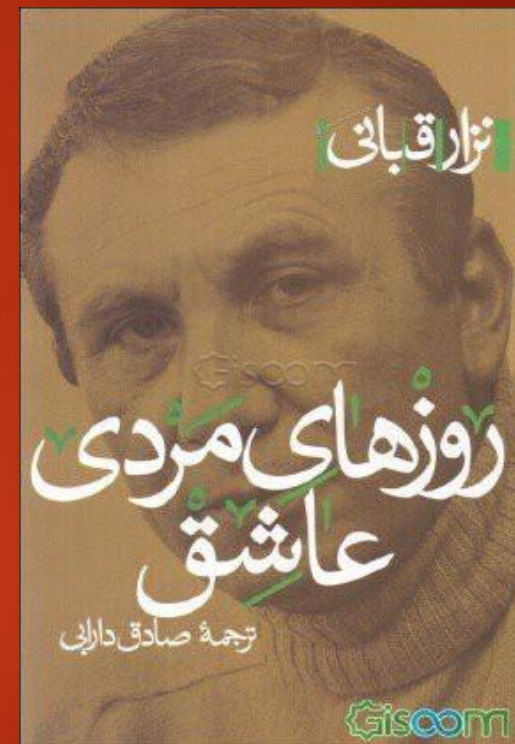
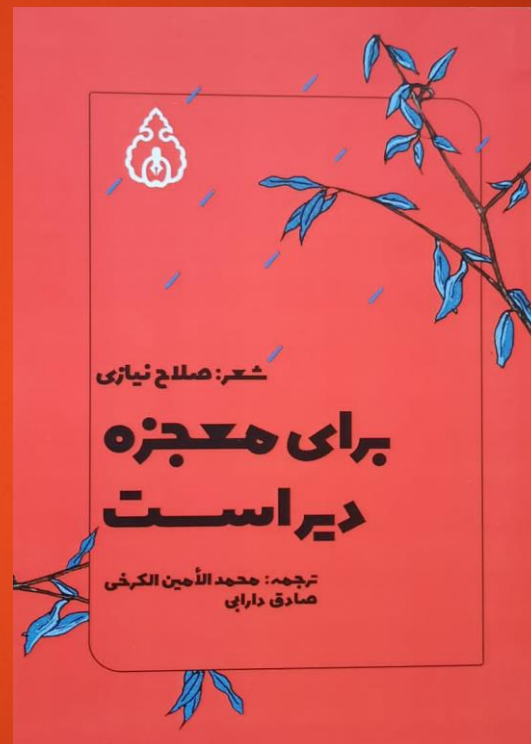
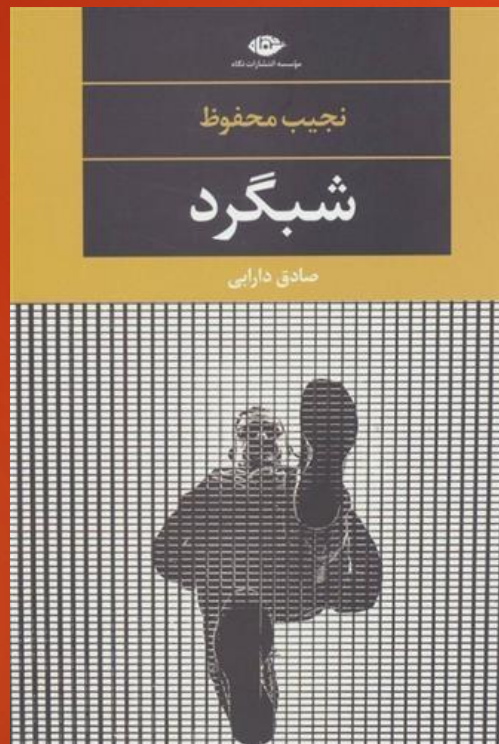
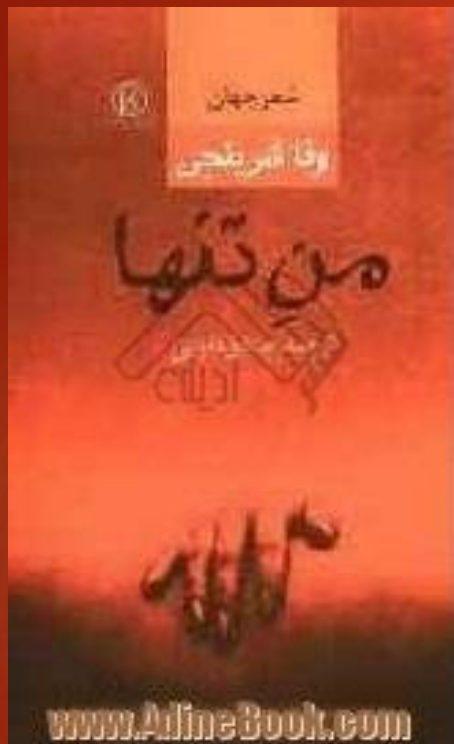
صادق دارابي



عن ترجمة رواية دروز بلغراد
لـ ربيع جابر









شیکاگو

علاء الاسواتی
مترجم صادق دارابی

۱۵۰ صفحه



مغزنی در فغانه

محمود عبدالشاهی
ترجمه صادق دارابی

عربی‌ها بر طبله بکشد امیر تالابی

محمود عبدالشاهی

ترجمه صادق دارابی

برنده جایزه ادبی نظریه در سال ۱۵۰۴



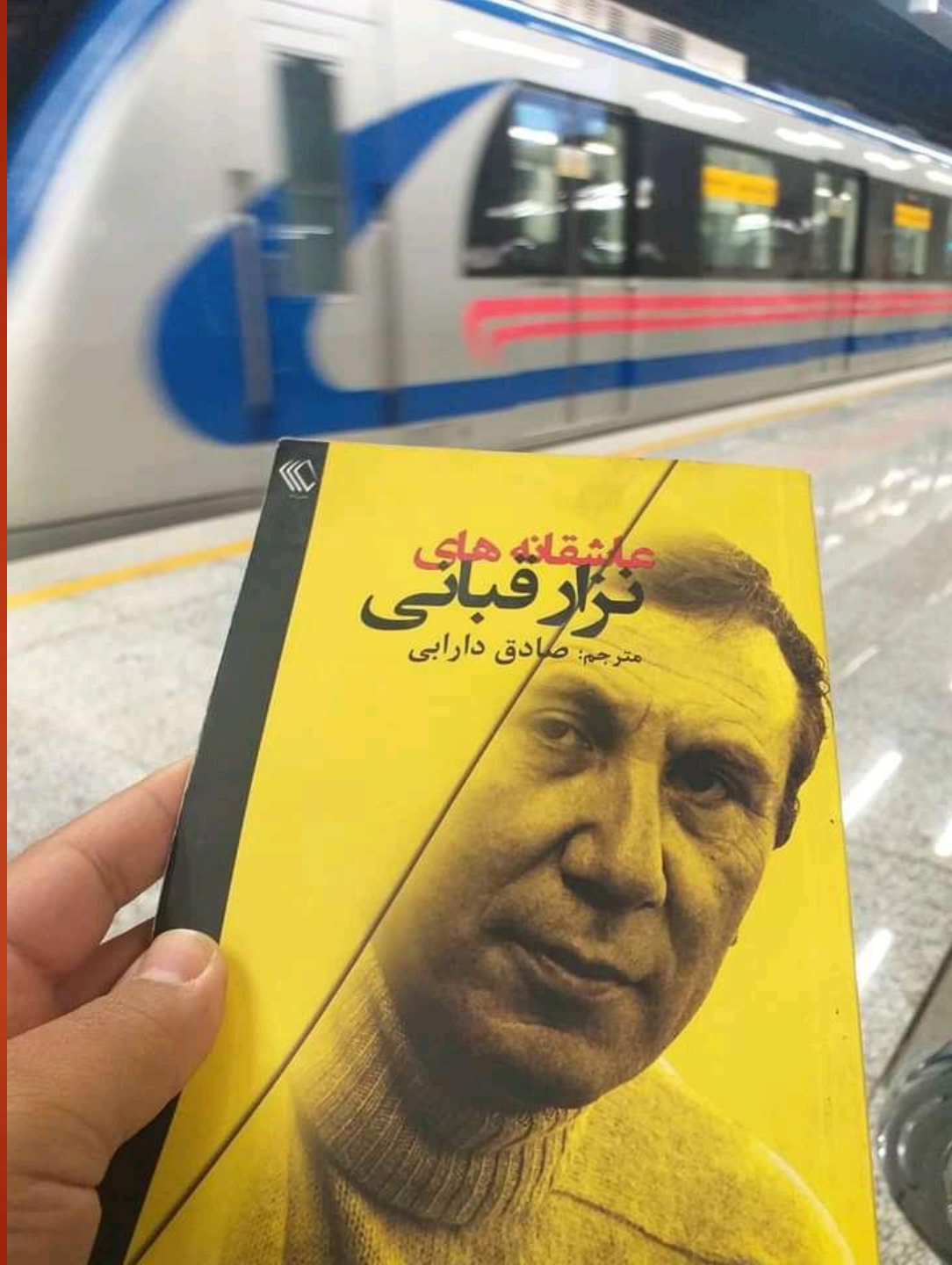
تیسری همین که به هتل رسید حش کرده خیل خسته است. دوست داشت کمی روی تخت دراز بکشد. اما مقاومت نموده و قید استراحت را زد. لباسهایش را عوض کرد. کتابها و لوازمی را که برای بولز آورده بود همه را برداشت. بعد هم یکی از پیراهن‌های نازک تابستانی‌اش را نوبی کبشای گذاشت. می‌خواست آن را به عنوان هدیه به نویسنده ژمان «نان خشکه» بدهد. چون دیده بود شکری نوی این تابستان گرم طنجه، پیراهن پشمی زمستانی پوشیده است.

شکری کبشای را که تیسری به او داده بود لمس کرد. پیراهن نوی آن بود. چقدر دوست داشت آن را روی زمین پرت کند و از خانه بولز بیرون برود. اما دید اگر این کار را انجام دهد، آن را نوعی فرهنگی تلقی می‌کنند و همین‌طور سرسخت او ایستاده که در دست آمریکایی‌ها و مغرب‌هاست به یکباره ویران خواهد شد.

چین بدون هیچ دخالتی گفتگوی شکری و تیسری را زیر نظر داشت. چون خودش طعم این نوع توهین‌ها را چشیده بود. مخصوصاً توهین آن شخص آمریکایی را در مورد ژمانش.



نشر پارسی



ربیع جابر
دَرُوزِ بِلْگَراد
مترجم: صادق دارابی



برنده جایزه بوکر عربی ۲۰۱۲

اگر مسئولیت از نواح را نمی‌دانیم یا نمی‌توانیم ببینیم، از ادباج نکشیم

۲۰۰ الفغانی

محمد سُکری در سال ۱۹۳۵ میلادی در شمال مغرب (مراکش) به دنیا آمد، او کودکی‌اش را در روستایش در فقر و بدبختی گذراند. بعد از قحطی بزرگ و جنگ با دولت اسپانیا، خانواده‌اش تصمیم می‌گیرد از ناظور به شهر طنجه مهاجرت کند. او در طنجه فقر و بدبختی را با گوشت و خون خود لمس می‌کند. از شاگردی کافه‌ها گرفته تا واکس زدن کفش‌ها و همین‌طور دست‌فروشی و ول‌گردی در خیابان، خوابیدن در قبرستان‌ها را تجربه کرده است.

اغلب ناشرین بزرگ جهان برای چاپ آثارش با او مکاتبه می‌کردند. سُکری در پانزدهم نوامبر ۲۰۰۳ میلادی در شهر طنجه چشم از جهان فرو بست. از سُکری نوشته‌های زیادی به جا مانده است، کتاب‌هایی چون جان جونیه در طنجه، و الخبز الحالی یا همان نان خشک که معروف‌ترین آثار سُکری اند کتابی که نه تنها در جهان عرب بلکه در اروپا و آمریکا جنجال به پا کرد. به طوری که تا مدت‌ها این رمان در جهان عرب ممنوعه اعلام شد. و حتا ترجمه انگلیسی و فرانسوی آن زودتر از نسخه عربی‌اش منتشر شد. نان خشک به نوعی زندگی واقعی خود محمد سُکری است که در قالب رمان نگاهشته شده است. هرچند که نوشتن این رمان مشکلات زیادی برایش به بار آورد.

این رمان به زبان‌های مختلفی از جمله انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، اسپانیایی، ترکی، چینی و زبان‌های دیگری ترجمه شده و به نوعی یکی از شاهکارهای جهان عرب به شمار می‌آید. تاکنون نشر دارالادب به چاپ هشتادم رسیده است. رمان نان خشک توسط نویسنده‌ی بزرگ آمریکایی بول بولز به انگلیسی و توسط نویسنده مشهور فرانسوی و عرب‌تبار، طاهر بنجلون، به فرانسه ترجمه شده است. همین‌طور رشید بن حاج کارگردان مشهور جهان عرب از روی نسخه عربی آن فیلم سینمایی نان خشک را ساخت که همانند رمان با استقبال زیادی روبرو شد. به طوری که قلم سینمایی آن مانند کتاب به زبان‌های زنده‌ی دنیا دوبله شده است.

ISBN 978-9954-615-44-1



9 789954 615441

نان خشک
محمد سُکری

مترجم: صادق دارابی

نان خشک

محمد سُکری

مترجم: صادق دارابی

